



Feasibility of Applying the Terrorism Prevention and Investigation Measures (TPIMs) Policy within Iran's Criminal Policy Framework: A UK-Based Model


ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/clr.2025.101675.0

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Azim Aghababaei Taghanaki 
ORCID: <https://0000-0002-0528-3690>

² Seyed Doraid Mousavi Mojab 
ORCID: <https://0000-0003-3906-5744>

Affiliation:

¹ Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

² Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Correspondence:

Email: aghababaei.azim@modares.ac.ir

Article History:

Received: 2025/06/05

Received in Revised form: 2025/11/22

Accepted: 2025/12/06

Abstract

The present study, using a descriptive-analytical approach, elucidates the foundations of the United Kingdom's 'Terrorism Prevention and Investigation Measures' (TPIMs) policy, focusing on the 2011 Act and preventive restrictions such as relocation and surveillance of suspicious individuals as tools of risk management, and evaluates the feasibility of applying these measures within Iran's criminal policy framework. The repressive preventive measures arising from the UK's TPIM regime are grounded in principles such as pre-emptive social defense informed by a re-interpreted positivism, dual deterrence (both ex ante and ex post), suppression of extremist ideologies that motivate terrorist actors, and the preservation of public and social order and security. Although this policy is effective in reducing opportunities for terrorist activity, its socio-legal implications require deeper examination. Adopting this model in Iran necessitates close attention to cultural, social, and legal mechanisms, along with comprehensive studies prior to implementation.

Keywords: Risk Management, Crime Prevention, Terrorism, Terrorism Prevention and Investigation Measures (TPIMs)





امکان‌سنجی کاربست خطمشی «مبانی و سازوکارهای حقوقی اقدامات پیشگیری و تحقیق از تروریسم» در چهارچوب سیاست جنایی ایران با بهره‌گیری از الگوی بریتانیا

عظیم آقابابائی طاقانکی^{۱*}، سیددرید موسوی مجاب^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی، مبانی خطمشی «اقدامات پیشگیری و تحقیق از تروریسم» بریتانیا را با تمرکز بر قانون ۲۰۱۱ و محدودیت‌های پیشگیرانه مانند تغییر محل سکونت و نظارت بر افراد مشکوک به‌عنوان ابزارهای مدیریت خطر تبیین کرده و امکان‌سنجی کاربست آن‌ها در سیاست جنایی ایران را ارزیابی می‌کند. تدابیر مربوط به پیشگیری سرکوبگرانه‌ی ناشی از تدابیر اقدامات پیشگیری و تحقیق از تروریسم در بریتانیا بر اصولی مانند دفاع پیش‌دستانه‌ی اجتماعی مبتنی بر اثبات‌گرایی بازاندیشیده‌شده، بازدارندگی دوگانه (پیشینی و پسینی)، سرکوب ایدئولوژی‌های افراطی محرک تروریست‌ها و حفظ نظم و امنیت عمومی و اجتماعی استوار است. هرچند این خطمشی در

Email: aghababaei.azim@modares.ac.ir

* نویسندهٔ مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



کاهش فرصت‌های ارتکاب تروریسم مؤثر است، پیامدهای اجتماعی-حقوقی آن نیازمند بررسی عمیق‌تر است. الگوبرداری از این مدل در ایران مستلزم توجه به سازوکارهای فرهنگی، اجتماعی و حقوقی و مطالعات جامع پیش از اجراست.

واژگان کلیدی: مدیریت خطر، پیشگیری از جرم، تروریسم، اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم

۱. مقدمه

با پیدایش و رشد سیاست جنایی پیشگیری از جرم، نقش مهم‌تری در جوامع پیدا کرد، اندیشمندان در صدد بررسی کارایی اقدامات پیشگیرانه برآمدند و همچنین سیاست‌گذاران در صدد تخصیص بودجه برای گسترش مکانیسم‌ها برآمدند. (Sherman, 1998: 2) علی‌رغم اینکه در یکی از توجیحات شیفتگی امروزی به پیشگیری از جرم می‌توان به زیان‌بار بودن حبس اشاره کرد (ابراهیمی، ۱۴۰۳: ۲۸)، ولیکن مشاهده می‌شود در حال حاضر در برخی از کشورها از اقدامات تنبیهی و قهرآمیز نیز در کنار تدابیر غیرقهرآمیز و تنبیهی برای پیشگیری از جرم استفاده می‌شود. از زمره این اقدامات می‌توان به اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم^۱ در بریتانیا اشاره کرد. اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم یکی از اقسام دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی^۲ است که در بریتانیا با هدف پیشگیری از تروریسم، با رویکرد قهقرایی در پاسخ‌دهی، پاسخ‌های واکنشی، قهرآمیز و تنبیهی را به مرحله‌ی پیش از اثبات جرم کشانده است و آن‌ها را در قالب پاسخ‌های کنشی و قهرآمیز بر برخی از افراد بار می‌کند. این در حالی است که در حقوق کیفری سنتی، پاسخ‌های تنبیهی نه در مرحله‌ی کنش نسبت به جرم بلکه در واکنش نسبت به آن، پس از اثبات جرم ضمن یک دادرسی عادلانه، در قالب مجازات^۳ یا کیفر^۴ بر مرتکب جرم بار می‌شدند. این اقدامات در قانون پیشگیری و تحقیق

1. Terrorism Prevention and Investigation Measures (TPIMs)

2. Civil Preventive Order (CPO)

3. Punishment

4. Penal



از تروریسم ۲۰۱۱^۵ پیش‌بینی شده‌اند. از آن‌جا که یکی از مکانیسم‌های پیشگیری از جرم، پیشگیری از طریق مدیریت خطر افراد در معرض ارتکاب جرم است، (Sanders & et al., 2010: 2) این دستورات خطاب به اشخاص در معرض خطر ارتکاب جرم تروریسم صادر می‌شوند و با ضمانت اجرای کیفری حمایت می‌شوند. این پژوهش درصدد است تا مفهوم، ماهیت و مبانی توجیه اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم را در کشور بریتانیا مورد بررسی قرار دهد. با توجه به اینکه در فرایند نقل و انتقال سیاست‌های کنترل جرم، امکان کپی‌برداری از سیاست‌های کشور بریتانیا در ایران در خصوص کنترل تروریسم وجود دارد، این پژوهش می‌تواند در جهت‌دادن به گفتمان‌های سیاست‌گذاران جنایی کشور ایران در این موضوع مؤثر واقع شود. البته به منظور کارآمدسازی سیاست جنایی، بررسی پیامدهای خط‌مشی مربوط به کنترل تروریسم در بریتانیا نیز ضروری جلوه می‌کند. ولیکن بررسی پیامدها از موضوع این پژوهش خارج است و به نظر می‌رسد نیازمند یک پژوهش جامع و مجزا است. با این حال این پژوهش به تحلیل مبانی اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم در بریتانیا می‌پردازد.

از آن‌جا که دانشمندان حقوق کیفری و جرم‌شناسی تدابیر قهرآمیز کنشی کنترل جرم را ذیل مباحث عدالت پیشگیرنده^۶ بررسی می‌کنند (Ogg, 2015: 30) می‌توان اذعان داشت در توجیحات جرم‌شناختی و جامعه‌شناسی کیفری، دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی ذیل این عنوان توجیه و بررسی می‌شوند. پارادایم عدالت پیشگیرنده از اواخر قرن بیستم قوت گرفت (Tulich et al., 2021: 221) و خط‌مشی‌هایی را پیشنهاد کرد که به حاکمیت اجازه می‌دهند کسانی که مرتکب جرم نشده اما در معرض ارتکاب یا تحریک دیگران به ارتکاب آن هستند را با رفتارهای کنشی قهرآمیز منع نماید. (Matravers, 2013: 206) در واقع موافقان کاربست سیاست‌های مبتنی بر عدالت پیشگیرنده معتقدند که پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، حتی با رفتارهای قهرآمیز با اصول عدالت سازگار است.

5. Terrorism Prevention and Investigation Measures Act 2011

6. Preventive Justice



دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی تدابیر پیشگیرنده‌ای هستند که ضمن ایجاد حقوق کیفری شخصی^۷ (Ashworth & Zedner, 2010: 74) و دو مرحله‌ای (Rodgers, 2023: 2; Ashworth & Zedner, 2012: 563)، درصد کنترل جرم و پیشگیری از آن هستند. در مرحله‌ی اول یک دستور از سوی مرجع صلاحیت‌دار قانونی صادر شده و در مرحله‌ی دوم در صورت نقض این دستور از سوی مخاطب دستور، متخلف با ضمانت اجرای کیفری مواجه می‌شود. (Methven & Carter, 2016: 228) اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم قسم خاصی از دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی هستند که استثنائاً در مرحله‌ی اول توسط وزیر کشور صادر شده (Rabenstein & Ratcliffe, 2023) و از این طریق محدودیتی را بر مخاطب دستور بار می‌کند (Ashworth & Zedner, 2014: 76) و در صورت نقض این دستور، مجازات کیفری در انتظار متخلف خواهد بود.

آقابائی طاقانکی، امینی و قدیری (۱۴۰۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی در سیاست جنایی کامن‌لا؛ تأملی در حقوق ایران» به بررسی مفهوم، مصادیق، مبانی و پیامدهای دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی در کشورهای کامن‌لا و تطبیق آن‌ها با نهادهای مشابه در کشور ایران پرداخته‌اند. آقای اسماعیلی (۱۳۹۶) در پژوهشی به نام «عدالت پیشگیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی» یکی از مصادیق رهیافت عدالت پیشگیرنده را دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی معرفی کرده است و به توضیح و تشریح این قسم از تدابیر پیشگیرنده در تعداد صفحات اندک پرداخته است. در این پژوهش به صورت مستقیم از اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم پرداخته نشده است و قواعد و مقررات کلی در خصوص دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی در نظام کامن‌لا را مورد بررسی قرار داده است.

در این خصوص در خارج از کشور ایران نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. دیکین و تامپستون^۸ (۲۰۲۴) در پژوهشی به نام «اقدامات پیشگیری و تحقیق در مورد تروریسم و تهدیدات دولتی» به معرفی قانون اقدامات جلوگیری و تحقیق در زمینه تروریسم سال ۲۰۱۱،

7. Personalized criminal law

8. Andrew Deakin, Helen Thompstone



به بررسی شرایط قانونی صدور و پیگیری این قسم از دستورات مدنی پرداختند. رابنشتاین و راتکلیف^۹ (۲۰۲۳) دستورات TPIM را به عنوان یک اقدام پیشگیرانه‌ی غیرجنایی مطرح می‌کنند که هدف آن حفاظت عموم مردم از افرادی است که باور می‌رود در فعالیت‌های تروریستی دخیل هستند، اما نمی‌توان آن‌ها را محاکمه کرد.

رودیه و دیگران^{۱۰} (۲۰۲۳) در پژوهش «پاسخ‌های قانونی به تروریسم: مروری بحرانی بر اقدامات مقابله با تروریسم» بررسی پاسخ‌های قانونی به تروریسم و تحلیل تکامل قوانین مقابله با تروریسم در سیستم‌های حقوقی مختلف می‌پردازد. فنویک^{۱۱} (۲۰۱۷) در مقاله‌ی «تروریسم و دستورات کنترلی اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم: آیا احراز صحت قانون حقوق بشر است یا نمایشی از دموکراسی دفاعی؟» به این که چگونه دستورالعمل‌های کنترلی و اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم (TPIMs) با مواد قانون حقوق بشر سال ۱۹۹۸ هماهنگ شده یا نشده است؟ می‌پردازد.

فنویک (۲۰۱۳) در مقاله‌ی دیگری تحت عنوان «استراتژی‌های جلوگیری‌کننده ضد تروریستی در بریتانیا و هیئت حقوق بشر اروپا: دستورالعمل‌های کنترلی، TPIMs و نقش فناوری» به بررسی دو نوع از دستورات پیشگیرنده‌ی تروریسم تحت عنوان دستورالعمل‌های کنترلی و TPIMs می‌پردازد. با یک رویکرد تطبیقی مشاهده می‌شود که مشابه این اقدامات در قلمروی کیفی ایران پیش‌بینی نشده است.

در عصر حاضر که انتقال سیاست‌های کنترل جرم^{۱۲} یکی از رویکردهای رایج و پذیرفته‌شده در علم جرم‌شناسی تطبیقی به شمار می‌رود، (Tonry, 2004: vii) بررسی و امکان‌سنجی کاربریست الگوهای موفق سایر کشورها در مواجهه با معضلات، از جمله تهدید تروریسم، ضرورتی روش‌شناختی و عملیاتی دارد. اقدامات پیشگیرانه و تحقیقاتی تروریسم (TPIMs) در حقوق بریتانیا به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین سازوکارهای پیشگیری کنشی از

9. Christiane Rabenstein and Marnie Ratcliffe

10. Rodiyah Rodiyah, Asyaffa Ridzqi Amandha, Indah Sri Utari, Ngboawaji Daniel Nte

11. Helen M. Fenwick

12. Crime Control Policy Transfer



تروریسم، با ایجاد محدودیت‌های مدنی پیش از ارتکاب جرم و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفی در صورت تخلف، توانسته است فرصت‌های ارتکاب اقدامات تروریستی را به‌طور قابل‌توجهی کاهش دهد؛ از این رو بررسی مبانی نظری، سازوکارهای اجرایی و پیامدهای آن برای سیاست جنایی ایران که با چالش‌های مزمن امنیتی و تروریستی مواجه است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف پر کردن خلأ موجود در ادبیات جرم‌شناسی تطبیقی ایران و ارائه راهکاری واقع‌بینانه برای تقویت راهبردهای پیشگیری از تروریسم، به تحلیل و ارزیابی این خط‌مشی می‌پردازد.

۲. اقدامات پیشگیرنده در قانون پیشگیری و تحقیق از تروریسم در بریتانیا

در بریتانیا در سال ۲۰۰۵ قانون جلوگیری از تروریسم به تصویب رسید. ولیکن در سال ۲۰۱۱ به موجب ماده‌ی ۱ قانون پیشگیری و تحقیق از تروریسم، این قانون نسخ شد. به موجب ماده‌ی ۲(۱) این قانون، به وزیر کشور اختیار داده شده است تا با اطلاعیه‌ای که به آن TPIM گفته می‌شود، محدودیت‌های مشخصی را برای جلوگیری از تروریسم و انجام تحقیقات را بر افراد مشکوک به ارتکاب جرم تروریسم اعمال کند. به عنوان مثال می‌تواند خواستار تغییر محل سکونت مخاطب دستور شود. با این حال وزیر کشور نمی‌تواند افسارگسیخته در این خصوص عمل کند و طبق ماده‌ی ۲(۴) باید ادله‌ی مربوط به اطلاعیه‌ی خود را منتشر سازد. در ادامه به برخی از مقررات قانونی مربوط به این اطلاعیه پرداخته خواهد شد.

۲-۱. شرایط صدور اطلاعیه‌ی اقدامات پیشگیری و تحقیق از تروریسم

در ماده ۳ قانون TPIMs، شرایط صدور اطلاعیه از سوی وزیر کشور در چند بند احصاء شده است. اگرچه ظاهر این ماده صرفاً بیان عناصر شکلی و ماهوی صدور دستور است، اما هر بند واجد نقش ویژه‌ای در معماری سیاست جنایی پیشگیرانه بریتانیا است و نشان می‌دهد که این کشور تلاش کرده است میان «پیشگیری از خطر» و «حفظ استانداردهای حداقلی دادرسی» تعادل برقرار کند.



اولاً، شرط «باور معقول وزیر کشور» نسبت به دخالت گذشته فرد در فعالیت‌های مرتبط با تروریسم، مبنای اعمال استاندارد پایین‌تر از بار اثبات کیفری است. این رویکرد ریشه در مدل مدیریت خطر دارد؛ زیرا هدف از TPIMS مجازات نیست، بلکه کاهش احتمال وقوع جرم در آینده است.

ثانیاً، قانون صرف دخالت گذشته را کافی نمی‌داند و بر وجود «فعالیت‌های جدید» یا استمرار خطر تأکید می‌کند. این شرط نشان می‌دهد که قانون‌گذار انگلیسی می‌کوشد از تبدیل اطلاعیه به یک ابزار «تنبیهی» جلوگیری کند و آن را در چهارچوب اقدامات آینده‌محور نگه دارد.

ثالثاً، ضرورت حمایت از عموم مردم یا پیشگیری از دخالت مجدد فرد، هر دو بیانگر ایده اصلی قانون یعنی حفاظت از امنیت جمعی با حداقل مداخله لازم است. این بند در سیاست جنایی بریتانیا به مفهوم تناسب^{۱۳} و ضرورت^{۱۴} پیوند دارد؛ یعنی محدودیت فقط تا جایی قابل توجیه است که برای مدیریت خطر ضروری باشد.

رابعاً، نقش دادگاه در تأیید اطلاعیه—اعم از پیشینی یا پسینی در شرایط اضطراری— نشان می‌دهد که این سازوکار، هرچند مبتنی بر اختیارات وسیع دولت است، اما در یک سامانه نیمه‌قضایی—نیمه‌اجرایی عمل می‌کند. مداخله دادگاه ابزار کنترل سوءاستفاده احتمالی دولت از اقدامات پیشگیرانه است. شرط فوریت نیز به روشنی حد و مرز اختیارات استثنایی وزیر کشور را نشان می‌دهد.

به موجب مواد ۸ و ۹ نیز مرجع نظارت و تداوم این محدودیت‌ها دادگاه است و علاوه بر آن، وزیر کشور مکلف است با پلیس ویژه مذکور در ماده ۱۰ مشورت کند. الزام به «مشورت» نشان‌دهنده پیوند سیاست جنایی اجرایی و پلیسی با سطح مدیریتی کلان دولت است. همچنین اطلاع‌رسانی به پلیس به منزله فعال‌سازی احتمال شروع تحقیقات کیفری است؛ بنابراین TPIMS در نقطه اتصال «اقدام پیشگیرانه» و «فرایند کیفری» قرار می‌گیرد.

13. Proportionality

14. Necessity



حق اعتراض به اطلاعیه (ماده ۱۶) و حق تجدیدنظرخواهی برای وزیر کشور (ماده ۱۸) نیز ترکیب کم‌نظیری از فرصت‌های دفاعی فرد و امکان بازنگری دولت ایجاد می‌کند. این نظام دوطرفه نظارتی در سیاست جنایی ایران وجود ندارد و یکی از نقاط قوت مدل بریتانیاست. به موجب ماده‌ی ۵ محدودیت‌های شخص از زمانی شروع می‌شود که اطلاعیه به مخاطب تحویل داده شده باشد. در صورتی که در اطلاعیه تاریخ شروع مشخص شده باشد، مدت اطلاعیه از آن تاریخ شروع می‌شود. مدت اطلاعیه بیش از یک سال نیست اما امکان تمدید آن تا چهار مرتبه دیگر (یعنی حداکثر پنج سال) وجود دارد.

۲-۲. مخاطب اطلاعیه‌ی اقدامات پیشگیری و تحقیق از تروریسم

در ماده ۴ قانون فوق‌الذکر دامنه‌ی اشخاص مشمول این دستور به‌گونه‌ای طراحی شده است که بتواند طیف گسترده‌ای از رفتارهای مرتبط با خطر تروریسم را پوشش دهد، بدون آنکه الزاماً نیازمند اثبات ارتکاب یک جرم کامل باشد. این ماده، چهار دسته رفتار را احصاء کرده که هر یک بازتاب‌دهنده‌ی یک منطق متفاوت در سیاست جنایی پیشگیرانه بریتانیا است. اولاً، بند (الف) شامل «ارتکاب، آماده‌سازی یا تحریک اعمال تروریستی» است. این بند، مصادیقی را در بر می‌گیرد که در بسیاری از نظام‌های حقوقی—از جمله ایران—نیز واجد وصف مجرمانه‌اند. اما نکته‌ی مهم این است که تدبیر مذکور در این بند به استاندارد کیفی پایبند نیست؛ یعنی صرف وجود باور معقول نسبت به تحقق این رفتارها برای اعمال محدودیت کافی است. بنابراین، این بند در واقع جایگزین فرایند کیفی نیست بلکه اقدامی پیشینی برای مدیریت خطر پیش از شروع فرایند تعقیب است.

ثانیاً، بند (ب) به رفتارهایی اشاره می‌کند که «به ارتکاب یا آماده‌سازی یا تحریک اعمال تروریستی کمک می‌کند یا قصد کمک دارد». این بند از مدل سنتی معاونت کیفی فراتر می‌رود و به مرحله‌ی قبل از معاونت ورود می‌کند. هدف این بند، شناسایی «زنجیره‌های مقدماتی خطر» است؛ یعنی روندهایی که هنوز جرم نشده‌اند اما احتمال قوی دارند که در چرخه‌ی خشونت تروریستی نقش فعال پیدا کنند. در سیاست جنایی ایران، چنین رویکردی بسیار محدود دیده



می‌شود و عمدتاً پس از تحقق جرم یا تبانی امکان مداخله وجود دارد. ثالثاً، بند (پ) رفتارهایی را دربرمی‌گیرد که «انگیزه ارتکاب اعمال تروریستی را فراهم می‌کند». این بند بسیار مهم است، زیرا اطلاعیه‌ی مذکور نسبت به نقش‌های غیرمباشر مانند تسهیل ایدئولوژیک، تبلیغاتی یا روانی حساسیت ویژه دارد. قانون‌گذار بریتانیایی پی برده است که بخشی از چرخه افراط‌گرایی، نه در مرحله عملی بلکه در مرحله «برانگیختن انگیزه و اراده» شکل می‌گیرد. در حقوق ایران، مداخله در این مرحله جز در مواردی محدود مانند «تحریک علیه امنیت» دارای چهارچوب روشن نیست. رابعاً، بند (ت) «حمایت یا کمک» را شامل می‌شود که ناظر بر نقش‌های حاشیه‌ای اما خطرناک در شبکه‌های تروریستی است؛ از جمله ارائه امکانات، تسهیل ارتباطات، یا کمک‌های مالی غیرقابل اثبات کیفری. در واقع قانون‌گذار بریتانیایی دامنه‌ی اطلاعیه را آگاهانه بسیار گسترده تعیین کرده است تا امکان مداخله پیش‌دستانه در برابر طیف متنوعی از رفتارهای پرخطر فراهم شود. در مقابل، سیاست جنایی ایران عمدتاً دارای مدل تعقیب‌محور و پسینی است؛ یعنی مداخله معمولاً زمانی آغاز می‌شود که رفتار مجرمانه شکل گرفته یا نزدیک به تکوین کامل است.

۲-۳. ضمانت اجرای نقض اطلاعیه

به موجب ماده‌ی ۲۳، فردی که اطلاعیه نسبت به وی به اجرا درآمده باشد، ولیکن بدون عذر موجه، از هر کدام از اقدامات مشخص شده در اطلاعیه TPIM را تخلف کند، مجرم محسوب می‌شود. مجازاتی که در انتظار وی خواهد بود، حبس تا پنج سال و یا جزای نقدی و یا هر دو خواهد بود. البته این قانون برای هر یک از کشورهای انگلستان، ولز، ایرلند شمالی و اسکاتلند مقررات خاصی در این خصوص وضع کرده است. ولیکن قدرمتیقن این است که در صورت نقض اطلاعیه، شخص مجرم محسوب شده و مجازات خواهد شد.



۳. مبانی سیاست‌های کنترل تروریسم از طریق اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم

از آنجا که رویکردهای مجازات‌محور پس از حملات تروریستی، نتوانسته‌اند در پیشگیری از این جرایم موفق باشند، سیاست جنایی دولت‌ها امروزه به سمت راهبردهای نوین پیشگیرانه و سازوکارهای پیشدستانه قبل از وقوع تروریسم گرایش پیدا کرده‌اند. (نعمتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۳۱) با این حال شکل‌گیری سیاست‌های کنترل جرم تروریسم از طریق کاربست خط مشی مربوط به اقدامات مربوط به پیشگیری و تحقیق از تروریسم در کشور بریتانیا دارای مبانی علمی خاصی بوده است که توانسته است سیاست‌گذاران جنایی این کشور را متقاعد کند تا این خطوط مشی را در قالب مقرره‌ای قانونی در آورده و در سطح قضایی و اجرایی به کار بگیرند. در ادامه به برخی از این مبانی اشاره خواهد شد.

۳-۱. دفاع پیش‌دستانه اجتماعی

رویکردهای پیش‌دستانه در سیاست جنایی، معتقدند که باید با جرم در مرحله‌ی پیش از ارتکاب آن مقابله کرد. (Zedner, 2010: 23) این موضوع موجب شده است که متفکران دفاع پیش‌دستانه^{۱۵}ی اجتماعی، از جمله آقای اشورث^{۱۶} و خانم زدنر^{۱۷} دفاع از اجتماع از طریق مقابله با رفتارهای مجرمانه را، تحت شرایطی به مرحله‌ی پیش از ارتکاب جرم و وضعیت خطر (ریسک) ارتکاب جرم سرایت دهند. دفاع پیش‌دستانه را می‌توان در تفکرات سنتی‌های دوره‌ی کلاسیک نیز مشاهده کرد. تفکر دفاع اجتماعی در مکتب تحقیقی توسط انریکو فری^{۱۸} و گاروفالو^{۱۹} مطرح شد. انریکو فری معتقد بود که به جای مجازات باید از دفاع اجتماعی (Ferri, 1917, 356) و به جای مسئولیت کیفری یا مسئولیت اخلاقی^{۲۰} بزهکار، باید مسئولیت

15. Pre-emptive self defense

16. Andrew Ashworth

17. Lucaia Zedner

18. Enrico Ferri

19. Raffaele Garofalo

20. Moral responsibility



اجتماعی^{۲۱} (Ferri, 1917, 352) جایگزین شود. گاروفالو معتقد بود که جامعه باید برای مقابله با جرم به عنوان یک بیماری اجتماعی، از معیاری به نام «خطرناک بودن مجرم» استفاده کند و به جای تمرکز صرف بر عمل مجرمانه، باید به ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی مجرم نیز توجه شود. (Ferri, 1910, 16) همانطور که ملاحظه می‌شود، دفاع اجتماعی مد نظر اثبات‌گرایان، از جمله انریکو فری و گاروفالو، دفاع از اجتماع از طریق اصلاح، درمان و بازپذیر کردن مجرم بود. امروزه، با ظهور جرایم سازمان‌یافته و تروریسم، تمرکز به شناسایی رفتارهای مجرمانه احتمالی و پیشگیری از وقوع جرم تغییر کرده (Muthaphuli, 2012: 275) و رویکردها از دفاع اجتماعی پسرو به دفاع اجتماعی پیش‌دستانه تغییر پارادایم داده‌اند. این موضوع را می‌توان اثبات‌گرایی^{۲۲} بازان‌دیشیده شده نامید. (Donkin, 2014: 3) یکی از جرایمی که پیش‌دستی کیفری در کنترل جرم را توجیه می‌کند، تروریسم است.

۲-۳. لزوم پاسخ‌گویی سریع به تحرکات تروریستی

کنترل تروریسم و مقابله با آن، به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های علیه امنیت کشورها، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های جامعه بین‌الملل است. (حاجی‌ده‌آبادی و خاتمی، ۱۳۹۷: ۳۷) علت این امر این است که تروریسم اثرات و تبعات بسیار سنگینی از خود بر جای می‌گذارد. این بزه، امنیت، نظام سیاسی، تمامیت ارضی و تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص را در سطح گسترده تهدید می‌کند. پیرو این تهدید، کشورها به دنبال تحدید دامنه‌ی ارتکاب تروریسم برآمده‌اند. با توجه به گسترده‌ی آسیب ارتکاب جرم تروریسم تام، کشورها درصددند تا بتوانند، پیش از ارتکاب جرم، تحرکات مربوط به تروریسم را شناسایی و آن‌ها را خنثی نمایند. به همین دلیل رویکردهای پیشگیرانه و پیش‌دستانه در کنترل تروریسم از ارزش دوچندانی برخوردار شده‌اند.

از طرفی جرم تروریسم از زمره جرایمی بود که در کنار جرایم سازمان‌یافته‌ی دیگر، حس

21. Social responsibility

22. Positivism



امنیت‌طلبی دولت‌ها را برانگیخته کرده است. (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۸) ترکیب دو رویکرد «ترجیح پیشگیری بر مجازات» و «امنیت‌گرایی» در مواجهه با جرم تروریسم، موجب شکل‌گیری یک سیاست جنایی افتراقی امنیت‌مدار شده است که به‌جای اتکا به مجازات‌های واکنشی پس از وقوع جرم، به کاربست تدابیر پیشگیرانه تنبیهی و سرکوبگرانه پیش از ارتکاب جرم روی می‌آورد.

۳-۳. بازدارندگی

بازدارندگی^{۲۳}، یکی از مهمترین اهداف هر سیاست جنایی است که به دو صورت عام و خاص مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی و قوانین کیفری قرار می‌گیرد. هرچند تا سده‌ی ۱۷۰۰ میلادی نظریات سزار بکاریا^{۲۴} و ژرمی بنتام^{۲۵} در خصوص بازدارندگی سردمدار بودند، ولیکن امروزه نظریه‌های بازدارندگی و انتخاب عقلانی در تبیین جرم، به تدریج تحت‌الشعاع تبیین‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی قرار گرفته است. (Paternoster, 2019: 57) در آثار سزار بکاریا و ژرمی بنتام آنچه بیش از همه در خصوص بازدارندگی مورد توجه بود بازدارندگی از طریق اعمال کیفر بود، (Beccaria, 1764: 17 & 26 & 49; Bentham, 2017: 96 &) (101) ولی امروزه مشاهده می‌شود که بازدارندگی، در افکار اندیشمندانی همچون کوهن^{۲۶}، فلسن^{۲۷}، کورنیش^{۲۸}، کلارک^{۲۹} و گارلند^{۳۰}، نه در مرحله‌ی اعمال کیفر بلکه در مرحله‌ی پیشگیری از جرم نیز مد نظر سیاست‌گذاران جنایی و نظریه‌پردازان حقوق کیفری و جرم‌شناسی قرار گرفته است. به عنوان مثال در نظریه‌ی فرصت جرم^{۳۱} بیان شده است که کاهش فرصت ارتکاب جرم منجر به بازدارندگی خواهد شد. (Cohen & Felson, 2010: 590; Cornish &)

23. Deterrence

24. Cesare Beccaria

25. Jeremy Bentham

26.. Lawrence E. Cohen

27. Lawrence E. Cohen

28. Derek Cornish

29. Ronald V. Clarke

30. David Garland

31. Crime Opportunity Theory



34: Clarke, 2014) موافقان دستورات پیشگیرانه تروریسم (TPIMs) بازدارندگی را یکی از مبنای اصلی این تدابیر می‌دانند. این بازدارندگی در دو مرحله محقق می‌شود:

۱. مرحله پیش‌کیفری: محدودیت‌های مدنی پیش از وقوع جرم (مانند تغییر محل سکونت یا نظارت الکترونیکی) فرصت ارتکاب جرم تروریستی را کاهش داده و بازدارندگی خاص و عام پیشینی ایجاد می‌کند.

۲. مرحله پس‌کیفری: در صورت نقض دستور، اعمال مجازات‌های کیفری (حبس، جریمه یا محرومیت اجتماعی) با افزایش هزینه تخلف، بازدارندگی خاص (برای ناقض) و عام (برای جامعه) پسینی را تأمین می‌نماید.

۳-۴. سرکوب ایدئولوژی‌های افراطی

گروه‌های تروریستی اعتقادات، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های تند و افراطی را دستمایه‌ی فعالیت‌های خود قرار داده و با تبدیل ضد ارزش‌ها به ارزش، خرده‌فرهنگ‌های نابه‌هنجار را شکل می‌دهند. (حاجیانی و کریمی شیرودی، ۱۳۹۳: ۳۹) فرض رایج بر این است که ایدئولوژی تبلیغ شده توسط یک سازمان تروریستی، با گستره‌ی اقدامات آن سازمان مرتبط است. (Ackerman & Burnham, 2021: 1160) از آن‌جا که درک مفهومی ظریف‌تر از ایدئولوژی در فرایندهای پیشبرنده تروریسم، به تحلیل بهتر تروریسم و نحوه مواجهه با متغیرهای ایدئولوژیک در این زمینه کمک خواهد کرد (Holbrook & Horgan, 2019: 2)، توجه به ایدئولوژی‌های تروریستی‌ها در کنترل این جرم از اهمیت دوچندانی برخوردار خواهد شد. ایدئولوژی‌های تروریستی معمولاً مجموعه‌ای از باورها را القا می‌کنند که تروریسم را توجیه و الزام می‌کنند. این باورها به عنوان اعتقادات مسلم و قطعی در نظر گرفته می‌شوند و رفتارهای تروریستی از جمله کشتن انسان‌های دیگر را به عنوان خدمتگزاران یک هدف معنادار دیده می‌شوند. (Borum, 2004: 3) با توجه به گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات^{۳۲} در دنیای امروزی، خطر تبلیغ و گسترش ایدئولوژی‌های مبنای تروریسم از طریق دستکاری



روانشناختی^{۳۳} و تحریک عقل جمعی^{۳۴} امروزه افزایش یافته است. به همین دلیل، امکان فراگیری تروریسم نیز افزایش یافته است. یکی از روش‌هایی که می‌تواند از دستکاری روانشناختی^{۳۵} عقل جمعی^{۳۶} و جذب توده‌ها پیشگیری نماید سرکوب ایدئولوژی‌های افراطی توسط نهادها و ارگان‌های رسمی و ارگان‌های مورد اعتماد عمومی است. دستکاری روانشناختی نوعی پرخاشگری پنهان^{۳۷} است که در آن فرد با بهره‌گیری از شیوه‌های فریبنده و غیرمستقیم، سعی در کنترل یا تسلط بر دیگران دارد، بی‌آنکه نیت واقعی‌اش را آشکار کند. این رفتار معمولاً از طریق فریب، القای احساس گناه یا سوءاستفاده از ضعف‌های عاطفی افراد انجام می‌شود و ظاهری بی‌ضرر یا خیرخواهانه دارد (Simon, 1996). این اقدام موجب افزایش آگاهی نسبت به مذمت برخی ایدئولوژی‌ها خواهد شد. یکی از علت‌هایی که توده‌ها جذب برخی از ایدئولوژی‌ها می‌شوند عدم آگاهی آن‌ها نسبت به پیامدهای تحرکات ناشی از ایدئولوژی‌ها است. سرکوب ایدئولوژی‌های افراطی از طریق اقدامات پیشگیرنده‌ی تنبیهی می‌تواند نسبت به شخص دریافت‌کننده‌ی اعلامیه یا سایر اشخاص جامعه، آگاهی‌های مربوطه را منتقل کند.

۳-۵. حفاظت عمومی و افزایش سطح امنیت اجتماعی

امروزه پارادایم‌های مربوط به کنترل جرم، بیش از اینکه به اخلاق و اجرای عدالت از طریق اعمال کیفر بر مجرم تمرکز داشته باشند، به مهار جرم^{۳۸} از طریق مدیریت خطر^{۳۹} توجه دارند. رویکردهای مربوط به کنترل جرم از طریق مدیریت خطر، با هدف تأمین حداکثر امنیت برای شهروندان و با آرمان جامعه‌ی بدون خطر ایجاد شده‌اند. یکی از مبانی شکل‌گیری دستورات پیشگیرنده‌ی مربوط به تروریسم، به عنوان یک قسم از دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی حفاظت عمومی از طریق کاهش و مدیریت خطر برای شهروندان از طریق تحدید مجرمان یا منحرفان

33. Psychological manipulation

34. Collective wisdom

35. Manipulation

36. Collective Wisdom

37. Covert-aggression

38. Crime control

39. Risk Management



بالقوه است. (Ashworth & Zedner, 2008: 37) حفاظت عمومی اقتضای ارتقای سطح امنیت اجتماعی و عمومی را دارد.

تروریسم امنیت اجتماعی را نه تنها از طریق خشونت مستقیم، بلکه با ایجاد چرخه‌ای از ترس، بی‌اعتمادی و اختلال در نظم اجتماعی نقض می‌کند. تروریسم علاوه بر تلفات جانی که ایجاد می‌کند، با ایجاد ترس و اضطراب گسترده، بنیان‌های روانی امنیت اجتماعی را تضعیف می‌کند. این ترس جمعی، اعتماد مردم به محیط اطراف و توانایی دولت در محافظت از آن‌ها را کاهش می‌دهد. صدمات مادی و روانی ناشی از تروریسم در سطح اجتماع در حدی گسترده و مهلک است که پیشگیری تنبیهی از ارتکاب آن را توجیه می‌کند. نقض امنیت اجتماعی و روانی توسط تروریسم، کفه‌ی ترازو در گفتمان‌های تقابل امنیت در برابر مدیریت خطر را به سمت مدیریت ریسک سنگین می‌کند. به نحوی که حتی در ایالات متحده‌ی آمریکا سیاست‌گذاران جنایی، برخی شرکت‌های خصوصی را نیز در مدیریت خطر در مبارزه با تروریسم سهیم کرده‌اند. (Petersen, 2008: 173) در گفتمان‌های سیاست‌گذاران جنایی در خصوص مدیریت خطر، در کشور بریتانیا، پیشگیری تنبیهی از تروریسم توجیه می‌شود.

۳-۶. ضرورت حفظ نظام سیاسی در برابر تهدیدات تروریستی

در وضعیت‌های معمول، حفظ امنیت و آزادی به‌عنوان دو حق بنیادین بشر برای پاسداری از ارزش‌ها و اصول انسانی در هر جامعه‌ای ضروری است؛ با این حال، در مواجهه با شرایط اضطراری ناشی از تهدیداتی مانند تروریسم، دولت‌ها ممکن است در برقراری توازن میان این دو حق دچار دشواری شوند. در چنین شرایطی، اغلب کشورها رویکردی مبتنی بر اولویت دادن به امنیت اتخاذ می‌کنند. (کدخدایی و مظلومی، ۱۴۰۰: ۱۳۷) با گسترش حملات تروریستی، استفاده از زور توسط دولت‌هایی که هدف این حملات قرار گرفته‌اند، به اقدامی اجتناب‌ناپذیر برای مقابله با تهدیدات تبدیل شده است. (کرم‌زاده، ۱۳۸۲: ۶۵) تروریسم نه تنها یک تهدید امنیتی، بلکه چالشی ساختاری برای نظام سیاسی است که می‌تواند بنیان‌های حاکمیت، توسعه،



و دموکراسی را تضعیف کند. افلاطون در کتاب «جمهوری»^۴ معتقد است، وجود نظام سیاسی کشور برای سعادت انسان‌ها ضروری است. (Plato, 1992: 228) مسلم است که منظور، یک نظام سیاسی مشروع و مقبول است و الا نه تنها موجب تحقق سعادت نخواهد شد بلکه ملت را به هلاکت خواهد رساند. نظام سیاسی با ایجاد چهارچوبی برای حکمرانی، از هرج و مرج و بی‌قانونی جلوگیری می‌کند. (Fukuyama, 2014) وجود نهادهای قانونی (مانند قوه قضائیه، نیروهای امنیتی، و سیستم اداری) به حل اختلافات، کاهش خشونت، و تضمین اجرای قوانین کمک می‌کند. فروپاشی نظام سیاسی می‌تواند به جنگ داخلی، بحران امنیتی، ازهم‌پاشیدن خدمات عمومی و تشدید فقر و نابرابری منجر شود و ثبات سیاسی شرط اساسی برای رشد اقتصادی، حفظ حقوق شهروندی و جلوگیری از سوءاستفاده قدرت است. وجود یک نظام سیاسی مشروع و کارآمد برای مدیریت بحران‌ها و تضمین امنیت و رفاه جامعه ضروری است. در این میان، تروریسم یکی از جدی‌ترین تهدیدهایی است که می‌تواند بنیان‌های چنین نظامی را هدف قرار دهد.

۴. قوانین و سازوکارهای مالی-امنیتی ایران در پیشگیری از تروریسم

در سیاست جنایی تقنینی ایران، هرچند جرم محاربه مذکور در قانون مجازات اسلامی شباهت بسیار زیادی به جرم تروریسم دارد ولیکن جرمی تحت عنوان «تروریسم» به آن شکل که در اسناد بین‌المللی تعریف شده است وجود ندارد و قانون‌گذار در موارد متعدد به صورت پراکنده اقدام به جرم‌انگاری برخی مصادیق اعمال تروریستی نموده است. (کریمی فیروزجایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۱۶) با این حال که تروریسم و جرائم تروریستی در قوانین جزایی ایران مورد اشاره و تعریف و هنجارگذاری جنایی قرار نگرفتند، ولیکن مقنن در سال ۱۳۹۴ اقدام به تصویب قانون «مبارزه با تأمین مالی تروریسم» نموده و در ماده‌ی ۱ این قانون به افراد یا اعمال تروریستی اشاره کرده است. همچنین در بند ۱ از ماده‌ی ۱ این قانون، کنوانسیون‌هایی که به تعریف جرم تروریسم پرداخته و کشور ایران نیز به آن‌ها ملحق شده است را نیز معتبر قلمداد

40. Republic



کرده است.

در ماده‌ی ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بیان شده است: «تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمکهای مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود.» در این ماده قانون‌گذار با جرم‌انگاری یک رفتار به عنوان جرم بازدارنده یا جرم مانع یا جرم مادر، اقدام به سیاست‌گذاری پیشگیرانه در خصوص ارتکاب رفتارهای بعدی تروریسم نموده است. البته با توجه به متن ماده، برخی از رفتارها خود دارای عنوان مجرمانه‌ی علی‌حده بوده و موضوع می‌تواند تحت عنوان تعدد مادی یا اعتباری نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در ادامه‌ی ماده قانون‌گذار شبیه به مقرره‌ی TPIMS در بریتانیا، که وزیر کشور را مرجع احراز دانسته است، نه دستگاه قضا را بلکه ارگان دیگری یعنی شورای عالی امنیت ملی را مرجع تشخیص تروریستی بودن اعمال دانسته است. مقررات پیشگیرنده‌ی این قانون از این نظر که تنبیهی و قهرآمیز هستند نیز مشابه دستورات TPIMS می‌باشند.

هرچند قانون تأمین مالی تروریسم، با وضع برخی مقررات از طریق پیشگیری از تأمین مالی تروریسم درصدد پیشگیری از وقوع تروریسم می‌باشد، ولیکن در خصوص سایر اقسام پیشگیری از جرم تروریسم مقرره‌ای وضع نکرده است. این در حالی است که اقدامات پیشگیری و تحقیق از تروریسم در بریتانیا، تمامی اقسام پیشگیرنده را در بر می‌گیرند. از طرفی قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۵ نیز نمی‌تواند خلأ موجود در سیاست جنایی ایران را جبران نماید. بدون وجود سیاست جنایی تقنینی کارآمد و جامع، امکان تدوین و کاربست سیاست جنایی‌های قضایی، مشارکتی و اجرایی کارآمد در این خصوص نیز منتفی است. فلذا با الگوبرداری از اقدامات پیشگیری و تحقیق از تروریسم بریتانیا و رفع پیامدهای آن می‌توان گامی مؤثر در راستای پیشگیری از تروریسم در کشور ایران برداشت.



همچنین بخشنامه شماره ۶۰ اداره کل مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم ضوابط تعیین آستانه مجاز مجموع مبالغ برداشت از طریق درگاه‌های غیرحضور متعلق به بخش حقوقی مصوب ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ با محدود کردن برداشت غیرحضور روزانه اشخاص حقوقی به یک میلیارد ریال (و حداکثر تا ۱۰ میلیارد با شرایط سخت‌گیرانه)، ممنوعیت اعطای API برداشت به غیر از صاحب حساب، الزام به واریز مستقیم وجوه فروش به حساب خود فروشنده (بدون حساب واسط) و ایجاد سامانه رصد و واپایش مستمر، جریان‌های مالی مشکوک و غیرشفاف را به شدت محدود می‌کند. این محدودیت‌ها انتقال سریع و پنهان وجوه به شبکه‌های تأمین مالی تروریسم را دشوار ساخته و با افزایش شفافیت تراکنش‌ها و کاهش امکان سوءاستفاده از حساب‌های حقوقی به عنوان کانال پولشویی، نقش مؤثری در پیشگیری از تأمین مالی تروریسم ایفا می‌نماید.

در راستای پیشگیری از تأمین مالی تروریسم «بخشنامه‌ی بانک کشاورزی موضوع بخشنامه ابلاغی بانک مرکزی درخصوص تجهیز و تقویت واحدهای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم ۱۴۰۳»، با الزام تمام مؤسسات اعتباری به تشکیل واحدهای تخصصی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم دارای ساختار سازمانی متناسب با حجم عملیات، تعداد مشتریان، گستره شعب، ریسک‌های جغرافیایی و ارزی، و همچنین تجهیز این واحدها به بخش‌های مستقل تحلیل معاملات مشکوک، پایش سیستماتیک تراکنش‌ها، ارزیابی ریسک، ردیابی وجوه، پاسخگویی به استعلامات قضایی و آموزش مستمر کارکنان، چهارچوب نظارتی حرفه‌ای و مستقلی ایجاد می‌کند. این واحدها با برخورداری از جایگاه سازمانی هم‌تراز مدیران ارشد و الزام به گزارش‌دهی مستقیم به هیئت مدیره، امکان شناسایی زودهنگام، مسدودسازی و گزارش فوری جریان‌های مالی مشکوک به تأمین مالی تروریسم را فراهم می‌آورند و بدین ترتیب یکی از مؤثرترین مکانیسم‌های پیشگیرانه از انتقال منابع به شبکه‌های تروریستی در نظام بانکی کشور را تقویت می‌نمایند.

در چهارچوب قانون «مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت» ۱۳۹۹، رویکرد پیشگیرانه از تروریسم عمدتاً از طریق قطع هرگونه امکان همکاری، حمایت



مالی، اطلاعاتی و لجستیکی با رژیم اسرائیل پیگیری شده است. به‌طور خاص، ماده ۶ این قانون هرگونه همکاری اطلاعاتی یا جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی را در حکم «مبارزه و افساد فی‌الارض» قرار داده و مرتکب را مستوجب اشد مجازات (اعدام) دانسته است. همچنین ماده ۷ هرگونه همکاری، توافق، تعامل یا تبادل اطلاعات با نهادها و افراد رسمی و غیررسمی وابسته به این رژیم را ممنوع کرده و برای مرتکب مجازات حبس تعزیری درجه چهار و انفصال دائم از خدمات دولتی تعیین نموده است. ماده ۸ نیز هرگونه اقدام آگاهانه در جهت تقویت سیاسی، امنیتی، نظامی، فرهنگی، تبلیغاتی یا اقتصادی رژیم صهیونیستی را ممنوع و مستوجب حبس تعزیری درجه پنج اعلام کرده است. این مقررات همراه با ممنوعیت استفاده از سخت‌افزارها و سکوهای نرم‌افزاری اسرائیلی (ماده ۵)، ممنوعیت ورود کالا و اتباع مرتبط با رژیم اشغالگر (ماده ۹) و الزام به شناسایی و به‌روزرسانی سالانه فهرست اشخاص و نهادهای مرتبط (ماده ۳) مجموعه‌ای جامع از ابزارهای پیشگیرانه را تشکیل می‌دهند که هدف آن مسدودسازی هرگونه مسیر احتمالی حمایت مادی یا معنوی از آنچه قانون‌گذار «اقدامات تروریستی رژیم صهیونیستی» می‌نامد، می‌باشد و بدین ترتیب پیشگیری کیفی از تروریسم را در سطح ملی و فراملی تقویت می‌کند.

در سال ۱۴۰۴ قانون‌گذار اقدام به تصویب قانونی تحت عنوان «قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» نموده است. در این قانون هرچند مستقیماً به تروریسم اشاره نشده است اما مقرراتی وجود دارد که نتیجه‌ی آن می‌تواند به پیشگیری از تروریسم منجر شود. از جمله این مقررات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. در ماده‌ی ۱ این قانون هر اقدام عملیاتی یا فعالیت اطلاعاتی به نفع متخاصمان کشور که موجب تهدید امنیت کشور شود را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات سنگین اعدام قرار داده است. اقدام عملیاتی می‌تواند تروریسم و فعالیت اطلاعاتی می‌تواند معاونت در تروریسم را شامل شود.

۲. در ماده‌ی ۲ این قانون «هرگونه اقدام امنیتی، نظامی، اقتصادی، مالی، فناورانه و یا



هرگونه مساعدت مستقیم و غیر مستقیم منجر به تقویت، تحکیم یا مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی شود» را جرم‌انگاری کرده است. این اقدامات می‌تواند شامل اقدامات تروریستی یا تأمین مالی تروریسم نیز شود.

۳. در ماده‌ی ۴ این قانون نیز «هرگونه اقدام یا همکاری در انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغی، ایجاد و انعکاس خسارت تصنعی و یا تهیه یا انتشار اخبار کذب یا هر نوع محتوا که نوعاً موجب ایجاد رعب و وحشت عمومی و یا برخلاف امنیت ملی باشد» جرم‌انگاری شده است. این جرم می‌تواند در قالب جرم مادر یا معاونت در جرم، مقدمه‌ای بر ارتکاب جرایم تروریستی باشد.

۴. ماده‌ی ۹ این قانون به‌طور مستقیم یک سازوکار «پیشگیری موقعیتی» و «پیشگیری مشارکتی» در برابر جرائم امنیتی از جمله تروریسم ایجاد می‌کند. به موجب این ماده اگر مرتکب، شرکا یا معاونان پیش از وقوع جرم یا هنگام انجام آن خود را به نهادهای مربوط معرفی کرده یا وقوع جرم را گزارش دهند، دادگاه موظف به اعمال تخفیف است. این ماده به افزایش کشف پیش‌دستانه نیز کمک می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

اقدامات پیشگیری و تحقیق از تروریسم (TPIMs) در بریتانیا، تحت قانون پیشگیری و تحقیق از تروریسم ۲۰۱۱، بازتابی از تغییر جهت پارادایم سیاست جنایی از رویکردهای کیفرمحور (اعمال مجازات پس از اثبات جرم به موجب حکم قطعی دادگاه) به سمت راهبردهای پیشگیرانه و پیش‌دستانه (اعمال محدودیت‌ها در مرحله‌ی پیش از ارتکاب جرم و به بهانه‌ی پیشگیری از جرم) است. هرچند قانون در صدور این دستورات اختیارات گسترده‌ای به وزیر کشور اعطا کرده است، ولیکن این اختیار افسارگسیخته نیست بلکه شرایطی برای صدور این دستور در نظر گرفته است. وزیر کشور باید شواهدی دالّ بر مشارکت فرد در فعالیت‌های تروریستی (گذشته یا حال) داشته باشد. همچنین اجرای دستورات باید برای «حمایت از عموم مردم» یا «اخلال در فعالیت‌های تروریستی» ضروری تشخیص داده شود. این دستور مستلزم کسب



مجوز از دادگاه است. در موارد فوری، وزیر کشور می‌تواند بدون مجوز دادگاه دستور صادر کند، اما باید ظرف مهلت معین قانونی تأیید دادگاه را دریافت نماید. دادگاه‌های تخصصی بر رعایت شرایط قانونی در صدور دستورات نظارت دارند. همچنین در قانون برای مخاطبان دستور حق اعتراض به دادگاه در نظر گرفته شده است. تخلف از محدودیت‌های اعلام شده در دستور اولیه، جرم محسوب شده و می‌تواند تا ۵ سال حبس یا جزای نقدی را در پی داشته باشد.

این پژوهش با بررسی مبانی نظری و عملی این خط‌مشی، نشان می‌دهد که کنترل تروریسم در بریتانیا برپایه‌ی اصولی مانند دفاع پیش‌دستانه اجتماعی، بازدارندگی، سرکوب ایدئولوژی‌های افراطی، حفاظت عمومی، افزایش سطح امنیت اجتماعی (اعم از امنیت روانی و مادی) و حفظ نظام سیاسی استوار شده است. این اقدامات با هدف مدیریت خطر، کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم، و حفاظت از امنیت عمومی طراحی شده‌اند، اما در عین حال، چالش‌های جدی در تعادل بین امنیت و حقوق شهروندی ایجاد می‌کنند.

سیاست جنایی بریتانیا در پیشگیری از تروریسم، با الهام از مکتب اثبات‌گرایی بازاندیشیده‌شده، بر شناسایی و مهار رفتارهای پرخطر پیش از وقوع جرم تمرکز دارد. این امر از طریق صدور دستورات مدنی مانند TPIMs محقق می‌شود که محدودیت‌هایی نظیر تغییر محل سکونت یا ممنوعیت دسترسی به فناوری‌های ارتباطی را برای افراد مشکوک اعمال می‌کند. این تدابیر همزمان با کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم (بازدارندگی پیشینی) و اعمال مجازات کیفری برای نقض دستورات (بازدارندگی پسینی)، سعی در مهار تروریسم دارد. آن‌جا که تروریسم به عنوان تهدیدی ساختاری، مشروعیت و ثبات نظام سیاسی را هدف می‌گیرد، اقدامات پیشگیرانه بریتانیا با خنثی‌سازی تحرکات تروریستی، به حفظ یکپارچگی حکومت کمک می‌کند. هرچند برخی از پژوهشگران معتقدند که TPIMs می‌تواند موجب نقض حقوق بنیادین مانند حریم خصوصی، آزادی بیان و اصل برائت می‌شود و همچنین پیامدهای دیگری نیز به دنبال خواهد داشت، ولیکن بررسی پیامدهای کاربریست این تدابیر در سیاست جنایی، در سطح گسترده، خارج از موضوع این پژوهش بوده و مستلزم سامان‌دهی یک



پژوهش مجزا است.

این پژوهش عمدتاً بر مبنای نظری و حقوقی اقدامات پیشگیری و تحقیق از تروریسم متمرکز است و پیامدهای اجتماعی-اقتصادی این سیاست‌ها (مانند تأثیر بر جامعه‌پذیری افراد تحت محدودیت) را بررسی نکرده است. تحقیقات آینده می‌توانند با روش کیفی به تحلیل پیامدهای حقوقی، سیاسی و اجتماعی کاربرست این دستورات در سیاست جنایی بپردازند و یا با روش‌های میدانی، تأثیرات بلندمدت این اقدامات بر نرخ جرایم تروریستی و سطح اعتماد عمومی به حکومت را تحلیل کنند. همچنین، مقایسه تطبیقی با مدل‌های پیشگیرانه در کشورهای دیگر (مانند آلمان یا فرانسه) می‌تواند راهکارهای جامع‌تری ارائه دهد.

۶. منابع

۱-۶. منابع فارسی

الف) کتاب

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

ب) مقاله

۲. اسماعیلی، محمد. (۱۳۹۶). عدالت پیشگیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴(۲)، ۲۹۷-۳۲۶. doi: 10.22059/jqclcs.2018.239944.1232

۳. آقابابائی طاقانکی، عظیم؛ مهدی امینی و رشید قدیری بهرام‌آبادی، (۱۴۰۴). دستورات پیشگیرنده‌ی مدنی در سیاست جنایی کامن‌لا؛ تأملی در حقوق ایران، *پژوهشنامه‌ی حقوق تطبیقی*، ۹(۲).

۴. حاجیانی، ابراهیم و محسن کریمی شیروودی، (۱۳۹۵). راهبردهای ضدتروریسم در ایران:

رویکرد فرهنگی. *فصلنامه آفاق امنیت*، ۷(۲۳)، ۳۷-۶۶.

doi: 20.1001.1.25381857.1393.7.23.2.9



۵. حاجی ده آبادی، محمد علی و سعیده خاتمی، (۱۳۹۷). سیاست جنایی ایران در قبال جرم تأمین مالی تروریسم در پرتو الزامات بین‌المللی. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۵(۳). doi: 10.22091/csiw.2019.3449.1428۶۴-۳۵
۶. کدخدایی، عباسعلی و مرسته مظلومی، (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی عملکرد دولت‌های انگلستان، آمریکا و فرانسه در دیالکتیک امنیت و آزادی در مبارزه با تروریسم، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۵(۳)، ۱۳۷-۱۶۱. doi: 20.1001.1.22516751.1400.25.3.1.0
۷. کریمی فیروزجایی، علی؛ سیدحسین هاشمی و حسن حاجی‌تبار فیروزجایی، (۱۳۹۷). سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال تروریسم در پرتو اسناد بین‌المللی، مطالعات سیاسی، ۱۱(۴۱)، ۱۹۵-۲۳۴.
۸. کرم‌زاده، سیامک. (۱۳۸۲). تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۷(۱)، ۱۶۵-۱۸۰. doi: 20.1001.1.22516751.1382.7.1.5.4
۹. قناد، فاطمه و مسعود اکبری، (۱۳۹۶). امنیت‌گرایی سیاست جنایی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۵(۱۸)، ۳۹-۶۷. doi: 10.22054/jclr.2017.7399.۶۷-۳۹
۱۰. نعمتی، لیلا؛ راحله سیدمرتضی حسینی و اعظم مهدوی پور، (۱۳۹۹). رهیافت‌های پیش‌نگرانه در مهار تروریسم. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱(۳۰)، ۲۳۱-۲۵۸. doi: 10.22054/jclr.2019.39062.1843

۲-۶. منابع انگلیسی

A) Books

11. Beccaria, C. B. (1764). *An essay on crimes and punishments*. Commentary by M. de Voltaire. (New edition corrected). Albany, NY: W. O. Little & Co. (Original work published 1764).
<https://oll.libertyfund.org/title/2193>
12. Bentham, J. (2017). *An introduction to the principles of morals and legislation* (J. Bennett, Ed.). Privately printed. (Original work published 1780)
13. Borum, R. (2004). *Psychology of Terrorism*. Tampa: University of South Florida.
14. Cohen, L. E., & Felson, M. (2010). Social change and crime rate trends: A routine



- activity approach (1979). In *Classics in environmental criminology* (pp. 203-232). Routledge.
15. Cornish, D. B., & Clarke, R. V. (Eds.). (2014). *The reasoning criminal: Rational choice perspectives on offending*, London: Transaction Publishers.
 16. Deakin, Andrew, & Helen Thompstone. (2024). Terrorism and State Threats Prevention and Investigation Measures, In: Robert Ward, and others (eds), *National Security Law, Procedure and Practice*, 2nd ed., Oxford.
 17. Donkin, S. (2014). *Preventing Terrorism and Controlling Risk*, First Edition, New York: Springer.
 18. Ferri, E. (1910). *The positive school of criminology: Three lectures given at the University of Naples, Italy on April 22, 23 and 24, 1901*. Charles H. Kerr & Company.
 19. Fukuyama, F. (2014). *Political order and political decay: From the industrial revolution to the globalization of democracy*. Farrar, Straus and Giroux.
 20. Muthaphuli, P. (2012). *Crime prevention and sentencing: a practical penological perspective* (Doctoral dissertation, University of South Africa).
 21. Ogg, J. (2015). *Preventive justice and the power of policy transfer*. Berlin: Springer.
 22. Plato. (1992). *Republic* (G. M. A. Grube, Trans.; C. D. C. Reeve, Ed.). Hackett Publishing.
 23. Sanders, A., Young, R., & Burton, M. (2010). *Criminal justice*. Oxford University Press, USA.
 24. Sherman, L. W. (1998). *Preventing crime: What works, what doesn't, what's promising*. US Department of Justice, Office of Justice Programs, National Institute of Justice.
 25. Tonry, M. (2004). *Punishment and politics: Evidence and emulation in the making of English crime control policy*. Willan Publishing.

B) Articles

26. Ackerman, G. A., & Burnham, M. (2021). Towards a definition of terrorist ideology. *Terrorism and Political Violence*, 33(6), 1160-1190.
27. Ashworth, A., & Zedner, L. (2008). Defending the criminal law: Reflections on



- the changing character of crime, procedure, and sanctions. *Criminal Law and Philosophy*, 2, 21-51.
28. Ashworth, A., & Zedner, L. (2010). Preventive orders: A problem of under-criminalization. *The boundaries of the criminal law*, 59-87.
29. Ashworth, A., & Zedner, L. (2012). Prevention and criminalization: Justifications and limits. *New Criminal Law Review: An International and Interdisciplinary Journal*, 15(4), 542-571.
30. Ashworth, A., & Zedner, L. (2014). Civil Preventive Orders, In *Preventive justice* (pp. 59-87). Oxford University Press.
31. Fenwick, H. (2013). Preventive anti-terrorist strategies in the UK and ECHR: control orders, TPIMs and the role of technology. In *Developments in counter-terrorist measures and uses of technology* (pp. 23-35). Routledge.
32. Fenwick, H. M. (2017). Terrorism and the control orders/TPIMs saga: a vindication of the Human Rights Act or a manifestation of 'defensive democracy'?. *Public Law*, (October).
33. Ferri, E. (1917). Criminal Sociology. *The American Institute Of Criminal Law And Criminology*.
34. Matravers, M. (2013). On preventive justice. In *Prevention and the Limits of the Criminal Law* (pp. 235-251). Oxford University Press.
35. Methven, E., & Carter, D. (2016). Serious crime prevention orders. *Current Issues in Criminal Justice*, 28(2), 227-238.
36. Paternoster, R. (2019). How much do we really know about criminal deterrence?. In *Deterrence* (pp. 57-115). Routledge.
37. Petersen, K. L. (2008). Terrorism: When risk meets security. *Alternatives*, 33(2), 173-190.
38. Rabenstein, C., & Ratcliffe, M. (2023). Terrorism Prevention and Investigation Measures Notices and Other Orders. In *Blackstone's Counter-Terrorism Handbook*. Oxford University Press.
39. Rodiyah, R., Amandha, A. R., Utari, I. S., & Nte, N. D. (2023). Legislative Responses to Terrorism: A Critical Review of Counterterrorism Measures. *Indonesian Journal of Counter Terrorism and National Security*, 2(2).
40. Rodgers, Z. (2023). Understanding the policing practices associated with civil



- preventive orders and notices in England and Wales to regulate the conduct of society's perceived deviant others: A systematic review. *Policing*, 17, 1-23.
41. Simon, G. K., Jr. (1996). *In sheep's clothing: Understanding and dealing with manipulative people*. A. J. Christopher & Co.
42. Tulich, T., Murray, S., & Skead, N. (2021). Antipodean perspectives on preventive justice: The high court and serious crime prevention orders. *Griffith Law Review*, 30(2), 211-239. doi: 10.1080/10383441.2021.1925411
43. Zedner, L. (2010). Pre-crime and pre-punishment: a health warning: Lucia Zedner calls for restraint. *Criminal Justice Matters*, 81(1), 24-25. doi: 10.1080/09627251.2010.505409

۳-۶. منابع فرانسوی

44. Guarda, C. G. (2017). La política criminal aplicada (PCA): La deriva de la política criminal hacia la política pública. *Nuevo Foro Penal*, 13(88), 185-216.

۴-۶. برگردان منابع فارسی به انگلیسی

1. Ebrahimi, Sh. (2024). *Preventive Criminology*, Vol. 1 (8th ed.). Tehran: Mizan. [In Persian]
2. Esmaeili, M. (2018). Preventive justice: controlling crime through the legal system. *Criminal law and Criminology Studies*, 4(2), 297-326. doi: 10.22059/jqclcs.2018.239944.1232 [In Persian]
3. Aghababaei Taghanaki, A. , Amini, M. , & Ghadiri Bahram Abadi, R. (2025). Civil preventive orders in common law criminal policy; a reflection on Iranian law. *Journal of Comparative Law*, 9(2), 7-27. doi: 10.22080/lps.2024.27485.1646 [In Persian]
4. Hajjani, E, & Karimi-Shiroudi, M. (2016). Counter-terrorism strategies in Iran: A cultural approach. *Security Horizons*, 7(23), 37-66. [In Persian]
5. Hajidehabadi, M. A., & Khatami, S. (2018). Studying Iran's Criminal Policy regarding Financing of Terrorism in the Light of International Requirements. *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 5(3), 35-64. doi: 10.22091/csiw.2019.3449.1428 [In Persian]



6. Kadkhodaii, A. and Mazloumi, M. (2021). Analyzing the International Performance of States in the Counter-Terrorism Challenge with a Comparative Study of the Three Countries of the United Kingdom, the United States and France. *Comparative Law Researches*, 25(3), 137-161. [In Persian]
7. Karimi-Firouzjani, A., Hashemi, S. H., & Haji-Tabar Firouzjani, H. (2018). Iran's legislative criminal policy toward terrorism in light of international documents. *Quarterly Journal of Political Science*, 11(41), 195–234. [In Persian]
8. Karamzadeh, S. (2003). Terrorism and self-defense in international law. *Comparative Law Studies*, 7(1), 165–180. doi: 20.1001.1.22516751.1382.7.1.5.4 [In Persian]
9. Ghanad, F. and Akbari, M. (2017). Security-Oriented Criminal Policy. *Journal of Criminal Law Research*, 5(18), 39-67. doi: 10.22054/jclr.2017.7399 [In Persian]
10. Nemati, L., Seyed Morteza Hosseini, R. and Mahdavi-pour, A. (2020). Anticipatory Approaches to Restraining Terrorism. *Journal of Criminal Law Research*, 8(30), 231-258. doi: 10.22054/jclr.2019.39062.1843 [In Persian]